

کوچ شهروندان بیانگر پیام های انسانیست !



رشاد - مصطفی سلطانی

پنجم آبانماه ۱۳۹۷ اواخر اکتبر ۲۰۱۸

* ایده ها ، تفکرات و مواضع دیگری در جامعه‌ی بشری هستند که یک نظم مدرن و نوین اجتماعی میخواهند ، اما توده‌های وسیع مردم که ناچار به کوچ شده‌اند لزوماً افکار چپ و مارکسیستی ندارند.

* دنبال کردن جامعه‌ای عدالتخواه و بی طبقه، بمعنای متوقف کردن تاریخ نیست !



مارش خود جوش و عظیم توده‌های مردم ، از آمریکای مرکزی و خصوصاً کشور گواتمالا با رسالت قانون شکنی و سنت شکنی و داشتن کد مخصوص، بسوی آمریکا در حرکت بوده و ، بیانگر رسالت های سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی می باشد . زنان که حافظ زبان مادری ، فرهنگ ، کلتور و ارزش های اجتماعی بوده، در این کوچ علیه دو اتوریتته یعنی خانواده‌ی پدرسالار و دولتهای استبدادیشان اعتراض دارند . معاون عالیجناب ترامپ این مارش را به سازماندهی چپها و کمونیستها نسبت داد . تفسیر های مقامات امریکائی منجمد، تهی ، آزار دهنده ، زشت و خشن بود . حقیقتاً باور کردنش مشکل است و بعید بنظر میرسد نیروهای چپ در امریکای مرکزی، دارای چنان پتانسیل و توانائی و قدرت سازماندهی باشند ، که بتوانند اینچنین اعتراضات مردم را در فورم و ساختار کوچ، سازماندهی و رهبری کنند . بدور از تعصب و تحجر های خشک حزبی و کج اندیشی وبعنوان یک واقعیت عینی بخشی از چپ در یک ایده‌ال نوستالوژیک غرق بوده و معتقدند که اندیشه‌ی متفکران و شبح مانیفست ، بر فراز جوامع وابسته و کلاسیک و سنتی به پرواز در آمده و امروز و فردا ، سیستم های توتالیتتر ، بنیاد گرا ، فناتیک ، اسلام سیاسی و دین و مذهب را در هم می پیچند . کوچ شهروندان در جاده‌ها و در نشیب و فراز کوهها ادامه‌دارد و، صدای اعتراضاتشان را بگوش جهانیان رسانده‌اند . شهروندان ندای فاشیسم را شنیده‌اند و با پیاده‌روی طولانی فریاد خویش را بر می آورند . مبارزات مدنی، دولت مردان و " سرمایه " و " بانک ها" را به جنگی اجتماعی و سیاسی دعوت نموده و چنین پیداست که تهیدستان در میدان نبرد آماده‌ی کارزار هستند . در آمریکای مرکزی " دیکتاتوری و سیستم های توتالیتتر " شیوه‌ای از حکومت بوده و نوعی تفکر صاحبان بانک هارا منعکس و بیان میدارد . انتروپولوژی توده‌های مردم ترکیب و طیفی از مردان و زنان میانسال، جوانان و کودکان، بیکاران، تهیدستان و اقشار بی بضاعت را تشکیل میدهند . آنها در فورمی نه‌چندان سازمان یافته، اما خودجوش و در غیاب امیلیانو زاپاتا و پانچو ویلا کوچ را شروع کرده‌و، بوسیله‌ی آواکس ها، ماهواره‌ها و شنود های جاسوسی پیشرفته ، کنترل می‌گردند . در این رهگذر واژه‌ی پر طمطراق و فریبنده‌ی " حقوق بشر " خالی و تهی از جنبه‌های انساندوستانه بوده و آزاد اندیشان و عدالت جویان را به شک و گمان واداشته‌است . تاکنون گروه‌های کانگستر و قاچاقچی و باندهای مافیا که مواد " روان پریش " و فراورده‌های " مواد مخدر " را با همکاری پلیس بین المللی بسوی کانادا و امریکا و جهان سازمان داده‌اند، در برابر موج عظیم کوچ بی تفاوت بوده و سکوت کرده‌اند . پیشقراولان کوچ بکشور مکزیک رسیده و موج دوم پناهجویان تازه بحرکت در آمده‌است . پناهجویان طیفی از انسان هائی رنج‌دیده بوده که در مجموع سرشار از نیت پاک هستند . سیما و چهره‌ی پناهندگان در این راه پیمائی خسته ، بیزار و ، باهیچ روتوشی امکان ندارد آثار رنج و حرمان را از سیمایشان زدود . مهاجرت و پناهجویی یکی از غم انگیز ترین سرنوشت ها بوده ، علیرغم احساسات جریحه‌دارشان، در ورطه عمیقی از پریشانی و

آشفته‌گی بسر می برند. راه پیمایان حقیقتاً قایق های بی حرکت نیستند، تا موج ها دریا برایشان تصمیم بگیرند. در اعماق چشم های راه پیمایان، نکته‌هایی باریک تر از مو و سنگین تر از کوه‌رامیتوان مشاهده کرد و مستقیماً آنرا بازتاب میکنند. جدال ستمگران و ستمبران در تمام پروسه‌ی زندگی باشدت تمام ادامه دارد. قدر مسلم آنست که سرنوشت دردناک و تحمیل فقر و نداری بر توده‌های مردم در آمریکای مرکزی مستقیماً بوسیله‌ی کارتل‌ها و تراستها و شرکت های چند ملیتی و حکومت های وابسته به " دلار " فراهم شده‌اند. امروزه سونامی دلار دنیا را بلرزه در آورده‌است. شرکت های چند ملیتی، تراست ها و کارتل ها با جنگ های امروزیشان، توده‌های مردم را در کوچکترین نقاط مشترکشان یعنی " فقر و نداری " متحد کرده‌اند.



حملات شب پرستان و تاریک اندیشان و جنگ طلبان و سیستم های سرمایه، همچنان بر علیه دموکراسی و جوامع بشری ادامه دارد. اگر شانس بالائی نصیب پناهجویان گردد و، در کشور آمریکا اسکان داده شوند، پروسه‌ی آسیمیلیسیون و مشکلات شروع می‌گردد. اگرچه عصر انحطاط اقتدار آمریکا فرارسیده است اما، تطبیق و سازگاری با مدرنیزاسیون برای پناهجویان، دردناک خواهد بود. سرنوشت چنین مارشها و جنبشهای بالنده‌ای اجتماعی، به دهها فاکتور اقلیمی و بین المللی گره خورده‌است. این حرکت با افسانه‌های مضحک نظم نوین جهانی و برخورد تمدن‌ها، در تصاد و انتاگونیزم مطلق بوده و با آن نورم‌ها سازگاری ندارد.

پایان

بنده نسبت به کسانی که در تکمیل این مقاله بمن و به حقیقت یاری میرسانند، سپاس فراوان دارم و قدرشناس خواهم بود.

اطلاعات و روشنگری های لازم:

۱- با تثبیت فاشیسم اسلامی و فرار مغزها از ایران ، بی مغزها بقدرت رسیده و هژمونی سیاسی را قاپیدند . در صد پناهندگان سیاسی که از ایران فرار میکنند، در سطح بالائی بوده و حتی روزنامه نگاران و ماسمیدیا ، این پدیده را اعتراف می کنند

۲. کوچ شهروندان قاره‌ی آسیا بطرف اروپا، نمونه‌ای تاریخی و یادگار جاویدان توده‌های سازمان نیافته و خودجوش بود ، که از طریق ترکیه و یونان به قاره‌ی اروپا رسیدند. سپس ترکیه در ساخت و پاخت های سیاسی با اتحادیه‌ی اروپا و باج گیری و دریافت مبالغ هنگفت یورو، این حرکت را نسبتاً متوقف کرده است .

۳. یک طنز سیاسی میگوید: دزدهای حرفه‌ای بانک تاسیس میکنند و دزدهای معمولی بانک را سرقت می نمایند !

۴. امیلیانو زاپاتا (۱۸۷۹-۱۹۱۹) و پانچو ویلا از انقلابیون و رهبران برجسته مکزیک بودند.

۵. معانی لغات بیگانه چنین است : انتاگونیزم (تضاد)، انتروپولوژی (مردم شناسی)، آسمیلاسیون (نوب و جذب در یک جامعه‌ی تازه)، فناتیک (خشک مغز و متعصب)